



بهره‌گیری همه‌جانبه از عقل محور صفات حمیده است

به کار بستن عقل در نحوه زندگانی و برخورد با دیگران، محور صفات حمیده است...

به کار بستن عقل در نحوه زندگانی و برخورد با دیگران، محور صفات حمیده است که انسان باید همواره این زندگانی را بررسی کند که به چه اساسی باید باشد و چقدر ارزش دارد. از این حیث اگر شخصی به حقوق ما تعدی کند، راهکار دارد و می‌توانیم با تأمل و تدبیر سعی کنیم که به دنبال راهکار برویم و گاهی هم به اینجا می‌رسیم که آن عمل را نادیده بگیریم.

به گزارش ایکنا؛ جلسه درس اخلاق آیت الله محمدباقر تحریری، از اساتید برجسته اخلاق و تولیت مدرسه علمیه مروی، روز گذشته، ۲۴ مردادماه برگزار شد که در ادامه متن آن را می‌خوانید؛

بحث در مورد مواعظ امام صادق(ع) است که شیعیان خود را معرفی می‌کنند و می‌فرمایند شیعیان ما با اموری شناخته می‌شوند و این شناخته شدن، برای خود و دیگران است. در روابط اجتماعی، وقتی انسان به اموری برخورد می‌کند که از امور لازمه اجتماعی است و می‌خواهد به ایمان، اعتقاد و روش زندگی شخص دیگری اعتماد کند، مانند ازدواج، تجارت و ... ، باید در آن مسیری که ادعا می‌کند، شناخته شود. علاوه بر اینکه در جوامع، مذاهب مختلفی با هم زندگی می‌کنند و برای اینکه ما مذهب حقه خود را نشان دهیم، باید به این خصلت‌ها که امام صادق(ص) می‌فرمایند متصف شویم که این معرفی شدن یک جهت‌الگویی و تبلیغی پیدا می‌کند که فرمودند: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ وَ يَغَيِّرْ أَلْسِنَتَكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْإِحْتِهَادَ وَ الصِّدْقَ وَ الْوَرَعَ»، یعنی شما مردم را بدون زبان، یعنی با عمل و روش خود به مذهب ما دعوت کنید که وقتی شما را می‌بینند، بگویند امام صادق(ع) عجب دست پرورده‌ای دارند؛ اینکه مردم ورع و پاکدامنی را از شما ببینند. شیعیان همانند سگ به دیگران تعرض نمی‌کنند

در همین راستا امام صادق(ع) این معرفی‌ها را دارند و می‌فرمایند شیعیان ما مانند سگ به دیگران تعرضی نمی‌کنند. در مقام برخوردهای مختلف، برای انسان حالت غضب پیدا می‌شود، اما اگر برخی جایگاه انسان را حفظ نکردند، او باید با بردباری با آنها مواجه شود و حالت پرخاشگری که دیگر در این حالت چیزی را نفهمد، نداشته باشد. در حالت غضب، اعصاب انسان به هم می‌ریزد و موازین را مراعات نمی‌کند، اما باید از این رفتار پرهیزد. این حالت موجب می‌شود عقل کارکرد خودش را از دست بدهد. رفتاری که انسان در این وضعیت انجام می‌دهد، بدون فکر خواهد بود و اگر این حالت بر انسان غلبه پیدا کند، دست به کاری می‌زند که بعد پشیمان می‌شود و گاهی این پشیمانی فایده‌ای هم ندارد و همواره باید در ناراحتی به سر ببرد.

از این نظر یک صفت دیگری هم بیان می‌کنند و آن اینکه، محور صفات حمیده به کار بستن عقل در نحوه زندگانی و برخورد با دیگران است که انسان باید همواره این زندگانی را بررسی کند که به چه اساسی باید باشد و چقدر ارزش دارد. روابط ما باید انسانی و ایمانی باشد و این حالت‌ها نحوه عملکرد ایمانی انسان با خدای متعال و نسبت به حقوق دیگران نشان می‌دهد که ما چقدر به حقوق دیگران پایبند هستیم. از این حیث، اگر شخصی به حقوق ما تعدی کند، راهکار دارد و می‌توان با تأمل و تدبیر سعی کنیم که به دنبال راهکار برویم و گاهی هم به اینجا می‌رسیم که آن عمل را نادیده بگیریم. ممکن است یکبار طرف وظیفه‌اش را در قبال ما به درستی انجام ندهد، ولی انسان نباید روابط را به هم بزند. این تدبیر موجب می‌شود که انسان با مسائل واقع بینانه برخورد کند. اگر نخواهیم کوتاه بیاییم، زندگی به آرامش نمی‌رسد.

هریک از صفات رذیله مظهر یکی از حیوانات است

این نکته هم قابل توجه است که هریک از صفات رذیله به نوعی مظهر یکی از حیوانات است. اگر انسانی که می‌تواند ابعاد مختلف داشته باشد، جلوی این اوصاف نامطلوب را نگیرد، موجب می‌شود اوصاف مطلوب نیز از او سر نزنند. اگر انسان خشم خود را کنترل نکند، چیزی برایش باقی نمی‌ماند و همواره همه را بی‌وفا حساب می‌کند و می‌خواهد به خواسته‌اش برسد و این حالت غضب را از خودش ظهور می‌دهد. البته آنچه مذموم است، غضب در حال باطل است، اما نسبت به حق فرمودند که انسان در دفاع از حق باید استقامت داشته باشد که باید همراه با عقلانیت هم باشد که انسان ببیند چطور باید این کار را انجام دهد.

در ادامه حضرت(ع) می فرمایند شیعیان ما مانند کلاغ طمع ندارند. طمع گاهی با حرص معنا می شود و حالتی است که انسان می خواهد به امور مطلوبش برسد و یک حالت اشتیاق خاص برای رسیدن به مطلوبش دارد، اما باید بررسی کند که اولاً این امر مطلوب بر محور امور دنیایی است. نکته دوم اینکه این امور دنیایی با چه محوری مورد طمع انسان باید باشد. در روابط انسانی، عقل حکم می کند که انسان نسبت به اموالی که دیگری با زحمت کسب کرده، طمع نداشته باشد و نخواهد آن اموال را تحت سلطه خودش قرار دهد که طرف مقابل را نیز به ذلت بکشانند.

این کار که ما بخواهیم اموال دیگران را تحت سلطه خود قرار دهیم، از حیث عقلایی نیز مذموم است و عقلاً در هر مسلکی که باشند تا وقتی در مسیر عقلانیت زندگی می کنند، این را مذموم می دانند. علاوه بر اینکه دستورات دینی ما راهنمایی می کنند که انسان به محصول قوای خودش تکیه کند. یعنی مسئله تنبلی و تن پروری و بیکاری را کنار بزند. دیگر اینکه به روابط صحیحی بین مردم باید اهمیت بدهد و باید آن را مقدس بداند. یعنی حقوق دیگران را در روابط اجتماعی و اقتصادی محترم بشناسد و به آن پایبند باشد.

طمع مذموم این است که انسان همواره چشم به داشته ها و حقوق دیگران داشته باشد و همواره آنها را ببیند و بخواهد تصاحب کند که این دیدگاه و حالت، هم کسالت و هم تن پروری و بیکاری را برای انسان به وجود می آورد و موجب می شود او در نهایت طغیان کند. حضرت(ع) نیز این مسئله طمع را به کلاغ تشبیه کردند. کلاغ دنبال کسب است، آن هم کسبی که به نوعی اموال دیگران را خراب می کند و فرمودند شیعیان ما اینچنین نیستند.

بنابراین حالت حرص و طمع برای کسب امور مادی فطری است و انسان حریص آفریده شده است. وقتی به او بدی برسد، می خواهد از چنگش درآید و وقتی هم به او خوبی می رسد، دوست دارد فقط خودش داشته باشد و در قرآن هم به این نکته اشاره شده و در ادامه خداوند فرموده است مگر کسانی که نمازگزار هستند که تمایلات فطری خود را در جهت شرع مقدس پیش می برند.